پشوتنی‌زاده، میترا؛ کوکبی، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی وضعیت مارک در ایران و پیشنهادهایی برای قالب نهایی آن. *پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۴ (۲)،۲۳۲– ۲۱۲.

بررسی وضعیت مارک در ایران و پیشنهادهایی برای قالب نهایی آن

دکتر میترا پشوتنی‌زاده[۱]، دکتر مرتضی کوکبی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۷

چکیده

هدف: *هدف از این پژوهش، شناسایی مسائل و مشکلات مربوط به دو قالب مارک ۲۱ و یونی مارک و وضعیت کنونی و قابلیت‌های مارک در ایران و کسب نظرات صاحب نظران در این موارد و پیشنهاد آن‌ها برای فرمت نهایی مارک در ایران است.*

روش: *برای گردآوری داده ها از روش پیمایشی استفاده شده است. صاحب نظران و متخصصان مارک در ایران جامعه تشکیل دهنده این پژوهش هستند. به شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی ۲۲ نفر از متخصصان مارک در ایران شناسایی شدند. با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته از صاحب نظران، نظرخواهی شده است.*

یافته‌ها: *هرچند که وضعیت کنونی مارک و آموزش و استفاده از آن در ایران از دیدگاه صاحب‌نظران مطلوب به نظر نمی‌رسید ولی مهم‌ترین راه‌حل پیشنهادی برای رفع مشکلات بیان‌شده در مورد مارک ایران، تشکیل کمیته‌ای از متخصصان مارک برای پشتیبانی و روزآمدسازی مارک در ایران و توجه بیشتر به آموزش در حوزه مارک بود.*

کلیدواژه‌ها: *مارک ایران، مارک ۲۱، یونی مارک، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات.*

۱. دانشگاه اصفهان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، m.pashootanizade@edu.ui.ac.ir

۲ . دانشگاه شهید چمران دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، kokabi80@yahoo.com

مقدمه

به منظور در نظر گرفتن قالبی مناسب برای طراحی قالب ملی مارک ایران، در سال ۱۳۷۷ کمیته ملی مارک ایران که متشکل از ۸ عضو (بیشتر اعضای هیئت علمی کتابخانه ملی[1]، ۲ متخصص رایانه و متخصصان در حوزه مارک) بود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. در آن سال‌ها با نشست‌های مختلف و بررسی‌هایی که توسط آن کمیته انجام شد، یونی مارک قالبی مناسب برای طراحی مارک ایران شناسایی و اولین دستنامه آن برای تک‌نگاشت‌ها با لحاظ کردن تغییراتی در یونی مارک برای انطباق با نیازهای فهرست‌نویسی فارسی، تهیه شد که پیایندها، مواد دیداری و شنیداری، مواد جغرافیایی، و فایل‌های رایانه‌ای را در برنمی‌گرفت (IranMARC's National Committee, 2002: 5-8). پس از آن کمیته ملی مارک ایران جلسه‌ای به صورت رسمی برگزار نکرد ولی کتابخانه ملی با کمک شرکت پارس-آذرخش کمیته‌ای به نام کمیته رسا (سامانه جامع کتابخانه ملی) با عضویت ۶ متخصص کتابداری و یک مهندس تشکیل داد (Akbari dariyan & Yaghub Purnargesi, 2008:322) و تلاش کرد تا مارک ایران را برای دیگر انواع منابع نیز ایجاد کند. مارک تهیه‌شده از سال ۱۳۸۵ به عنوان مبنای ذخیره‌سازی و پردازش اطلاعات کتابشناختی و مستند در نظام نرم‌افزاری رسا مورد استفاده قرار گرفت و تا چندی پیش نیز قالب برچسبی (عددی نه الفبایی) برای منابع بازیابی شده از طریق وب‌سایت کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در دسترس بود (National Library and Archives of I.R of Iran, 2010).

تقریباً همزمان با این تصمیمات، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات نیز در سال ۱۳۷۲ برای جمع-آوری اطلاعات کتابشناختی کلیه دانشگاه‌ها به دنبال قالب مناسبی بود که با بررسی‌های انجام‌شده، مارک آمریکا[2] را به عنوان فرمت مناسب برگزید. پس از آن با انجام مطالعات بیشتر، طی چند طرح پژوهشی، توسعه نرم‌افزارهای لازم و تبدیل سامانه قدیم به جدید و تبدیل پایگاه‌های پراکنده با فرمت‌های مختلف به فرمت مارک آمریکا در مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشور[3] صورت گرفت (امیر پارسی اصفهانی، ارتباط شخصی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۹). با پیشرفت اینترنت، ظهور اشیای دیجیتالی متنوع و تصمیم کتابخانه کنگره آمریکا برای ترکیب دو مارک آمریکا و کانادا، فرمت جدیدی به نام مارک ۲۱ به وجود آمد که در سال ۱۳۸۲ نیز توسط شورای عالی اطلاع‌رسانی به عنوان استاندارد ذخیره‌سازی اطلاعات در ایران در

۱.در کل این پژوهش هر جایی که از عبارت "کتابخانه ملی" استفاده شد، منظور "سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران" است.

2. USMARC

۳. این مرکز اکنون با نام پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران شناخته می‌شود.

نظر گرفته شد (Secretariat Supreme Concil of Information, 2003). با ظهور مارک ۲۱، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات نیز توجه خود را از مارک آمریکا به مارک ۲۱ معطوف داشت. در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات از سال ۱۳۸۲ تصمیم گرفته شد که با حمایت دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی از محل طرح‌های تکفا[۱] و بودجه جاری پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات، سامانه جدیدی[۲] در محیط اس.کیو.ال[۳] و دات نت کاملاً سازگار با مارک ۲۱ طراحی شود.سامانه مذکور یک سامانه تحت وب بود که به منظور ثبت و ذخیره انواع اطلاعات بر اساس مارک ۲۱ به صورت مقدماتی در محیط شیءگرا و با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی رابطه‌ای طراحی و اجرا شد (Iranian Information and Documentation Center, 2005). فاز اول این پروژه تا سال ۱۳۸۳ به طول انجامید و عملی شد ولی در سال ۱۳۸۴ با تغییر سیاست‌ها، کار تهیه این سامانه متوقف شد و این در حالی است که ۷۵٪ کار آن (پایگاه جامع) به پایان رسیده بود. هرچند که مطالعات پراکنده ادامه داشت ولی کار اجرایی کاملاً متوقف گردید و به دلیل نگهداری ننمودن و رها شدن پروژه، سامانه به طور کل از کار افتاد (امیر پارسی اصفهانی، ارتباط شخصی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۹). در مدت زمان مذکور ترجمه خلاصه مارک ۲۱ انجام شد، بر روی شبکه وب مرکز قرار گرفت و نیم میلیون پیشینهٔ پایگاه اطلاعاتی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران و نزدیک به ۵۰ میلیون صفحه متن کامل به سامانه جدید منتقل شد. به علاوه اصطلاح‌نامه‌هایی به عنوان پشتوانه کار نمایه‌سازی، تولید سرعنوان‌های موضوعی و تولید مستند اسامی سازمان‌ها نیز برای پشتیبانی از کاربران تهیه شد (Iranian Information and Documentation Center, 2007).

کتابخانه ملی و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات، دو سازمان مهم در حوزه علم اطلاعات و دانش شناسی و پیشرو در فعالیت‌های این حوزه محسوب می‌شوند و شماری از جریان‌های اطلاعاتی را در کشور اداره می‌کنند. با این حال دیده می‌شود که در زمینه مارک، این دو سازمان، دو جهت متفاوت را در پیش گرفته‌اند. کتابخانه ملی به عنوان متولی امور کتابداری و فهرست‌نویسی منابع همچنان بر روی یونی مارک تأکید دارد و با همکاری شرکت پارس‌آذرخش، مارک ایران را برای دیگر منابع نیز گسترش داده است و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات به عنوان یکی از سازمان‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری حداقل تا سال ۱۳۸۴ با پاره‌ای همکاری‌ها با شورای عالی اطلاع‌رسانی، نیروی خود را بر روی

---

۱. برنامه توسعه و کاربردی فناوری ارتباطات و اطلاعات ایران (تکفا)

۲. آدرس اینترنتی: http://idochp1.irandoc.ac.ir/registeration/home.sdpx

3. Structured Query Language (S.Q.L)

گسترش مارک ۲۱ متمرکز کرده بود و شاید یکی از دلایل وضعیت نابسامان مارک در ایران و نبود شبکه کتابشناختی رایانه‌ای ملی، مشخص نبودن متولی اصلی آن در کشور باشد.

هرچند شورای عالی اطلاع‌رسانی ایران، در سال ۱۳۸۲ با وجود ایجاد فرمتی برای مارک ایران از سوی کتابخانه ملی، مارک ۲۱ را به عنوان استاندارد ذخیره‌سازی اطلاعات در ایران در نظر گرفت و بودجه انجام این طرح را به پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات اختصاص داد ولی این طرح ادامه پیدا نکرد.

واضح است که در صورتی که این روند ادامه می‌یافت، مشکلات زیادی را برای تبادل داده‌های کتابشناختی و هماهنگی نظام‌ها به همراه داشت. با این حال ازآنجایی‌که تا کنون هیچ پژوهشی برای بررسی مشکلات کنونی مارک در ایران و سنجش میزان تناسب و برتری هر یک از این دو مارک (به عنوان قالب‌های جهانی) برای فهرست‌نویسی ایرانی و زبان و خط فارسی انجام نشده است، اگر برای باری دیگر هر سازمان و یا شرکت نرم‌افزاری تصمیم به گسترش مارک ۲۱ بگیرد، تبادل رایانه‌ای اطلاعات کتابشناختی در کشور مشکل و حتی غیرممکن می‌گردد و در صورتی که نتیجه این پژوهش مشخص شود، می‌توان در راستای رفع مشکلات مارک کنونی ایران و یا مسائل احتمالی آینده از آن بهره جست. بنابراین در این پژوهش تلاش می‌شود تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

دلایل ادامه نیافتن طرح استفاده از مارک ۲۱ در مرکز مدارک و اطلاعات علمی کشور چه بود و آیا مشکلات آن قابل‌رفع هستند؟ و از سوی دیگر آیا از مارک ایران، برای ثبت اطلاعات کتابشناختی مربوط به فهرست‌نویسی منابع فارسی استفاده مناسبی به عمل آمده است؟ و آیا مارک ایران تهیه شده بر مبنای یونی مارک توانسته پاسخگوی نیازهای فهرست‌نویسی فارسی باشد؟ و در نهایت پیشنهاد صاحب‌نظران ایرانی برای فرمت نهایی مارک در ایران چیست؟

پیشینه پژوهش

در این بخش پیشینه‌ها در دو بخش خارج از کشور و در ایران در حوزه مارک بررسی شده است و نتایج حاکی از آن است که در خارج از کشور، به مسئله و نقش مارک به صورت محتوایی و ماهوی نگریسته شده و از جنبه‌های مختلف، قالب‌های متفاوت را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند. به علاوه هر زمان که کارآمدی یک زیرساخت مارک زیر سؤال بوده است با بررسی دیگر طرح‌ها و قالب‌های مارک، زیرساخت قبلی تغییر کرده و از مزایای طرح‌های جدید بهره برده شده است. اما پیشینه‌های ایرانی نشان‌دهنده تأکید و بررسی بیشتر بر روی فرمت کنونی مارک در ایران و یافتن مشکلات آن است و کمتر مقایسه‌های اساسی از جنبه‌های مختلف بر روی قالب‌های مختلف فراداده‌ای انجام شده است.

کوکبی (Kokabi, 1994) در پژوهش خود با این سؤال اساسی مواجه بود که آیا می‌توان یکی از فرمت‌های موجود مارک را برای ایران به کار گرفت یا اینکه یکی از آن‌ها را باید به عنوان مبنایی برای ساخت مارک ایران مورد استفاده قرار داد. در نهایت وی به این نتیجه رسید که با ایجاد تغییراتی در یونی مارک می‌توان پاسخگوی نیازهای کتابشناختی ایران بود و آن را به عنوان مبنای مارک ایران پیشنهاد کرد.

داس (Das, 2004) استاندارد بودن فرمت تبادل داده‌های کتابشناختی را حائز اهمیت، و استفاده از مارک در کتابخانه‌ها را ناگزیر دانست. وی مارک‌های مختلف دنیا، یونی مارک و کشورهایی که از آن استفاده می‌کنند، مارک ۲۱ و تاریخچه آن را معرفی کرده و در نهایت نتیجه می‌گیرد که مارک ۲۱ یکی از مشهورترین فرمت‌های تبادل است که به طور گسترده‌ای توسط کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفته است. کیتو (Cato, 2007) ذکر کرد که اگرچه برای فهرستگان ملی سوئد از مارک انگلستان تا سال ۲۰۰۲ استفاده شده است ولی در سال ۱۹۹۸ تصمیم گرفته شد که مارک سوئد (SWEMARC) بر مبنای مارک آمریکا ایجاد شود. در سپتامبر ۲۰۰۰ به دلیل ناتوانی شرکت مسئول در انجام این پروژه، تهیه مارک سوئد متوقف شد. در دسامبر همان سال، مارک ۲۱ برای کتابخانه‌های سوئد انتخاب شد و پایگاه‌های داده‌ها و فهرستگان ملی سوئد به مارک ۲۱ تبدیل شدند. کیتو در پژوهش خود بیان کرد که با وجود مشکلات و چالش‌های فراوان، کتابخانه ملی سوئد از تصمیم خود در رابطه با پذیرش مارک ۲۱ راضی است زیرا که چالش‌ها قابل‌رفع هستند. کتابخانه بریتانیا (British Library, 2011) در سال ۲۰۰۰ تصمیم گرفت که از UKMARC (فرمت ملی فهرست‌نویسی کتابخانه بریتانیا از سال ۱۹۷۵) به سمت مارک ۲۱ حرکت کند. فرمتی که توسط دیگر کتابخانه‌های ملی و کاربران زیادی استفاده و توسط نظام‌های کتابخانه‌ای زیادی پشتیبانی می‌شود. به علاوه امکان سهیم شدن در جامعه کتابشناختی بین‌المللی که از استانداردهای مشترک استفاده می‌کنند را میسر می‌سازد.

طاهری (Taheri, 2008) پس از بیان نقاط قوت و ضعف دو طرح ابرداده‌ای هسته دابلین و مارک ۲۱، در سازماندهی منابع اطلاعاتی شبکه جهانی وب، کارایی دو طرح مذکور را در نمایه‌سازی اطلاعات الکترونیکی با هم مقایسه کرد. نتیجه این مقایسه‌ها نشان داد که قالب ابرداده‌ای مارک ۲۱ برای ذخیره، پردازش، تبادل و بازیابی منابع شبکه جهانی وب، مناسب‌تر و کارآمدتر است.

خادمی زاده (Khademizadeh, 2009) برای تطبیق فرمت مارک ایران برای پیایندها، ابتدا فیلدهای ویژه پیایندها را از متن دستنامه ۲۰۰۰ یونی مارک استخراج و ترجمه کرد. سپس فرمت پیشنهادی، با توجه به فیلدهای اختصاصی شناسایی‌شده توسط پژوهشگر و فیلدهای الزامی که در یونی مارک برای

تمام منابع کتابخانه‌ای باید به کار برده شود و فیلدهای عمومی با تطبیق با کاربرگه به منظور حصول اطمینان از اعمال فیلدهای مورد نظر در کاربرگه سازمان تهیه شد. کوکبی (Kokabi, 2009) به بررسی نرم‌افزار رسا پرداخت. او هدف خود را تعیین میزان استفاده رابط کاربر نرم‌افزار رسا از مارک ایران و یونی مارک معرفی کرد. او به همین منظور به بررسی گزینه‌های پدیدآور و موضوع در گزینه "جستجو در" نرم‌افزار پرداخت و مشخص نمود که حداقل در این قسمت‌ها بر اساس مارک ایران و یونی مارک عمل نشده است. به همین دلیل او پیشنهاد کرد که برای ارتقاء عملکرد نرم‌افزار رسا از بلوک‌های ـ ـ۶ و ـ ـ ۷ بهره-گیری بهتری به عمل آید. قاسم پور (Ghasempur, 2010) در پایان‌نامه خود با عنوان "دیدگاه کتابداران و کارکنان کتابخانه ملی ایران در خصوص قابلیت‌های نرم‌افزار جامع کتابخانه‌ای رسا" هدف خود را سنجش قابلیت‌های رسا (نرم‌افزار جامع کتابخانه، مرکز اسناد و آرشیو) از دید کارکنان کتابخانه ملی ایران معرفی کرد.

روش پژوهش

با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته که به صورت پرسش‌های باز طراحی شده بود، نظرات صاحب‌نظران و متخصصان مارک در ایران در مورد فرمت نهایی مارک ایران و مشکلات استفاده از مارک ۲۱ یا یونی مارک در ایران جمع‌آوری شد تا با استفاده از این نظرات، بتوان به مسئله پژوهش پاسخ داد. این پرسشنامه در دو بخش جداگانه برای متخصصان یونی مارک و متخصصان مارک ۲۱ طراحی شده بود تا هر گروه بر اساس تخصص و تجربه خود بتوانند به سؤالات مربوط پاسخ دهند.

هر بخش از این پرسشنامه دارای ۶ پرسش باز بود که به بررسی مشکلات هر یک از مارک‌ها در ایران، امکان رفع آن‌ها و پیشنهاد پاسخگویان در مورد فرمت نهایی مارک ایران می‌پرداخت. پیش از توزیع پرسشنامه، روایی محتوایی آن به تأیید ۶ استاد گروه کتابداری رسید و سپس پرسشنامه‌ها از طریق پست الکترونیکی، توزیع و از همین طریق نیز پاسخ‌ها جمع‌آوری گردید.

جامعهٔ پژوهش دربرگیرنده کلیه افراد قابل‌دسترس و شناسایی‌شده در ایران بود که در حوزه مارک دارای تخصص و تجربه بوده، مسئولیت پروژه‌های فهرست‌نویسی ماشین خوان را در ایران به عهده داشته‌اند یا از روند چگونگی پیشرفت یا انجام آن آگاه‌اند؛ مانند افراد عضو کمیته مارک ایران، کمیته رسا و کسانی که در پروژه ناتمام استفاده از مارک ۲۱ برای زیرساخت شبکه کتابشناختی در ایران در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات شرکت داشتند. ازآنجایی‌که این افراد در وهله اول به طور دقیق قابل‌شناسایی نبودند، از

روش نمونه‌گیری گلوله برفی[1] استفاده شد.

به این معنی که در پرسشنامه‌هایی که برای ۱۲ متخصص شناسایی‌شده ارسال گردید، از آن‌ها خواسته شد که چنانچه افراد دیگری را در این حوزه می‌شناسند، معرفی کنند و به این صورت تعداد افراد جامعه به صورت گلوله برفی تا ۲۴ نفر، افزایش یافت. ولی ازآنجایی‌که پست الکترونیکی ۲ نفر از این افراد، در دسترس نبود، تعداد افرادی که برای آن‌ها پرسشنامه ارسال گردید، در واقع ۲۲ نفر بود.

تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه

این قسمت به بررسی داده‌های گردآوری‌شده توسط پرسشنامه حاصل از پرسشنامه، و برای آگاهی کامل از نظرات صاحب‌نظران، به ارائه و جمع‌بندی نظرات صاحب‌نظران در مورد قالب‌های یونی مارک و مارک ۲۱ اختصاص یافته است. شایان ذکر است که در نقل‌قول نظرات پاسخگویان تلاش شده است تا آنچه توسط صاحب‌نظران بیان گردیده به آنچه در اینجا ارائه می‌شود، نزدیک باشد.

با این حال به منظور ایجاد یکدستی در متن، در موارد اندکی تغییرات و دست‌کاری صورت گرفته و به همین جهت، در ارائه نظرات در این قسمت از علائم نقل‌قول مستقیم استفاده نشده است. همچنین هیچ‌یک از نظرات ارائه‌شده در این قسمت، توسط پژوهشگران حاضر مورد تأیید یا تکذیب قرار نمی‌گیرند و صحبت‌هایی که احیاناً در مورد سازمان، نرم‌افزار، شخص یا گروه خاصی شده است، صرفاً نظرات شخصی صاحب‌نظران می‌باشد.

اطلاعات جمعیت شناختی

از میان ۲۲ پرسشنامه توزیع‌شده، ۱۶ مورد آن (۷۳٪) پاسخ و بازگشت داده شد. تمامی پاسخگویان، فارغ‌التحصیلان رشته علم اطلاعات و دانش شناسی، با ۹ مدرک دکترا (۵۶٪) و ۷ مدرک کارشناسی ارشد (۴۴٪) بودند. ۵ نفر از پاسخگویان را زن و ۱۱ نفر آن‌ها را مردان تشکیل می‌دهند.

پاسخگویان دارای شغل‌های مختلفی همچون مشاور کتابخانه دیجیتال (۱ نفر)، کارشناس ارشد تحلیل فرایند نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای و طراحی سامانه در نرم‌افزار رسا (۲ نفر)، عضو هیئت‌علمی با تخصص سازماندهی اطلاعات و فهرست‌های رایانه‌ای (۹ نفر)، رئیس گروه سازماندهی مواد غیرکتابی در کتابخانه ملی ایران (۱ نفر)، عضو کمیته و راهبر رسا (۳ نفر) بودند. ۸ نفر از افراد پاسخگو در گذشته دارای پست خاصی در رابطه با فعالیت‌های مارک در ایران بوده‌اند. غالباً این پست‌ها شامل اعضای کمیته مارک

1.Snowball Sampling

ایران (۵ نفر)، تحلیلگران و دست‌اندرکاران تهیه نرم‌افزار رسا (۲ نفر) و طراح کاربرگه‌های مارک ایران برای منابع غیرکتابی (۱ نفر) بودند

اگرچه تمامی پاسخگویان به جز یک نفر، دارای پژوهش‌هایی مدون در حوزه مارک بودند ولی از نظر میزان تجربه شغلی در زمینه مارک در وضعیت متفاوتی قرار داشتند. ۳ نفر دارای ۱ـ ۵ سال سابقه، ۵ نفر دارای ۶ ـ ۱۰ سال سابقه و ۷ نفر نیز دارای سابقه‌ای بیش از ۱۰ سال بودند.

۹ نفر از پاسخگویان در حال حاضر با هیچ‌یک از طرح‌های مارک در ایران همکاری ندارند، ولی ۴ نفر از آن‌ها عضو کمیته رسا و از میان این ۴ نفر، یک نفر نیز در حال تألیف کتاب‌های مارک ایران است. یکی از پاسخگویان نیز مسئول تصمیم‌گیری در مورد فهرست‌نویسی منابع غیرکتابی برای مارک ایران است و ۲ پاسخگوی دیگر نیز جزء تحلیل‌گران و طراحان اصلی نرم‌افزار رسا هستند که یکی از آن‌ها عضو کنسرسیوم ملی محتوا نیز می‌باشد و در زمینه سرویس‌های مورد نیاز جهت ارائه اطلاعات به کنسرسیوم محتوا بر اساس پروتکل گردآوری فراداده‌ها[1]، (این فعالیت‌ها از طریق شرکت پارس‌آذرخش انجام می‌شود)، همکاری دارد.

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد به علت محدودیت صاحب‌نظران در حوزه مارک ۲۱ در ایران، تعداد افراد کمتری به پرسش‌های مربوط به مارک ۲۱ پاسخ دادند. ۵ نفر به پرسش‌های گروه یک (مارک ۲۱) و ۱۱ نفر به گروه دوم (یونی مارک) پاسخ دادند. بنابراین بر اساس همین دو گروه نیز، نظرات صاحب‌نظران و داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها ارائه می‌گردد.

پرسش‌های گروه یک (مارک ۲۱)

نظرات صاحب‌نظران در مورد دلایل ادامه نیافتن طرح استفاده از مارک ۲۱ در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات و قابل‌رفع بودن مشکلات مرتبط با مارک ۲۱ در ایران، عبارت است از:

۱.اگرچه در اوایل دهه ۱۳۸۰، این طرح به صورت شخصی آغاز شد ولی هیچ‌گاه پیاده‌سازی و اجرایی نشده است و تا زمانی که نتایج این طرح قابل‌مشاهده نباشد، نمی‌توان گفت که واقعاً این طرح مربوط به مارک ۲۱ یا طرحی شبه مارک بوده است.

۲.چون یک کار فردی و بر اساس علاقه شخصی و با انگیزه‌های اقتصادی بود، رها شد.

۳.زیرا پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات در مقایسه با کتابخانه ملی ایران، در وضعیت و موقعیتی نبود

1. Open Archives Initiative Protocol for Metadata Harvesting *(OAI-PMH)*

که بخواهد به فهرست‌نویسی کتاب فارسی و دیگر منابع اطلاعاتی بپردازد و اگر در حال حاضر بتواند با کتابخانه ملی به توافق برسد، شاید بتواند طرح خود را ادامه دهد.

۴.زیرا هر مارکی و حتی مارک ۲۱ در حال حاضر دیگر کارایی لازم را ندارد و نداشتن کارایی مسئله‌ای نیست که قابل‌رفع باشد. اگرچه کتابخانه کنگره واقعاً از کتابخانه‌هایی که مارک ۲۱ را مورد استفاده قرار داده‌اند، پشتیبانی می‌کند ولی امروزه دیگر برای پایگاه‌های مدرن نمی‌توان از مارک استفاده کرد.

۵.ایجاد ایران مارک (مارک ۲۱ پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران) به علت دلایل فنی همچون ضعف یونی مارک، نبود. از سال ۱۳۷۹ این پروژه شروع شد ولی دارای زیرساخت‌های فنی لازم نبود. بنابراین طرحی که دارای ریشه‌های فنی نباشد، مسلم است که با عوض شدن مدیران آن، انجام طرح نیز متوقف می‌شود. اما بدون توجه به مسئله ذکرشده، می‌توان دلایل دیگری را نیز برشمرد. از جمله: اجرای طرح بدون هیچ‌گونه برنامه استراتژیک و هدف مشخصی؛ نداشتن تسلط کافی مجریان طرح به تمامی جنبه‌های فنی و تخصصی موجود در مارک ۲۱ و حتی قواعد ریز فهرست‌نویسی منابع در مارک (به خصوص اینکه مارک ۲۱ فرمت‌های مختلفی برای انواع منابع دارد ولی مجریان این پروژه آشنایی کافی با آن‌ها نداشتند و این امر کاملاً در ترجمه‌های انجام شده از سوی آن‌ها که مغایر با مارک ۲۱ و غیرقابل‌درک است، مشخص می‌باشد)؛ تغییر مدیران سطح بالای پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و نبود حمایت مالی از طرح؛ انجام طرح‌های مشابه دیگر در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (البته هیچ‌وقت نهایی نشدند)؛ وابستگی طرح ایران مارک به افراد به جای وابستگی به سازمان متبوع؛ و تمرکز بیشتر بر روی فرمت کتابشناختی در تمامی مارک‌های ایران به منظور تولید نرم‌افزار بر پایه آن‌ها و در نتیجه بی‌توجهی نسبت به اهداف بازیابی و نمایش مارک.

۶. نبود پشتیبانی مناسب از این طرح و وجود دو دیدگاه در استفاده از قالب‌های مارک در ایران از جمله عوامل توقف این طرح بودند. مسلماً برای رفع این مشکلات نیاز به هماهنگی کلان در سطح سازمان‌های متولی آموزشی، پژوهشی، و فرهنگی کشور است.

در پاسخ به این پرسش که آیا مارک ۲۱ می‌تواند پاسخگوی نیازهای یک جامعه ایرانی و ذخیره و پردازش اطلاعات کتابشناختی فارسی باشد، برخی پاسخگویان معتقد بودند که در حال حاضر دیگر هیچ سازمان یا نرم‌افزاری در ایران قصد سرمایه‌گذاری و تهیه مارک جدیدی را ندارد و زمانی باید این پرسش مطرح می‌شد که کمیته مارک ایران برای انتخاب مبنای مناسبی برای مارک ایران اقدام به تصمیم‌گیری

کرد. اگرچه دیگر مارک قدیمی شده و مناسب برای محیط‌های جدید نیست ولی اکنون یک مارک در ایران وجود دارد که پاسخگوی جامعه ایرانی نیز می‌باشد. به علاوه کتابخانه ملی نیز در حال بررسی مدل‌های جدید فراداده‌ای است و برخی شرکت‌های فعال در حوزه نرم‌افزارهای کتابداری، بر روی محیط-ها و مدل‌های مفهومی و شیءگرا در حال فعالیت هستند. در مقابل این گروه، عده‌ای نیز اعتقاد داشتند که با تغییراتی متناسب با ویژگی‌های منابع فارسی همچون خط و زبان، می‌توان از مارک ۲۱ استفاده نمود.

پیشنهادهای مطرح‌شده برای فرمت نهایی مارک ایران را می‌توان در چند گروه زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. برای تعیین بهترین فرمت دیر شده است و هیچ‌کس برای آن سرمایه‌گذاری نخواهد کرد.

۲. با توجه به قابلیت‌های یونی مارک و انتخاب آن به عنوان مبنای مارک ایران از سوی کمیته ملی مارک، بهتر است که تمام تلاش‌ها در راستای توسعه مارک کنونی ایران انجام شود.

۳. به محیط‌های آینده مارک، فراداده‌های جدید همچون مودس، مدل‌های مفهومی و آر.دی.ای. توجه شود.

۴. توسعه مارک ایران بر اساس مارک ۲۱ یا انتخاب مارک ۲۱ به عنوان قالب محلی ایران، به دلایل مختلف بی‌شماری، بهترین گزینه است.

پرسش‌های گروه دو (یونی مارک)

پاسخ‌های صاحب‌نظران درباره این پرسش که آیا از مارک ایران در فهرست‌نویسی منابع فارسی استفاده مناسبی به عمل آمده است یا خیر و دلایل آن، در گروه‌های کلی عبارت است از:

۱. بله، مارک ایران توانسته پاسخگوی این مسئله باشد.

۲. بله، زیرا برای کلیه منابع موجود در کتابخانه ملی هم‌اکنون کاربرگه‌های لازم با توجه به مارک ایران، وجود دارد.

۳. شاید تا حدی مناسب بوده ولی به صورت کامل، استفاده مناسبی از آن به عمل نیامده است. آموزش تخصصی و کاربردی ارائه نمی‌شود و کاربران در مورد اهمیت مارک، توجیه نشده‌اند.

۴. برای فهرست‌نویسی منابع غیرکتابی فارسی، امکانات و فیلدهای مناسبی در آن وجود دارد.

۵. بحث فهرست‌نویسی در محیط نرم‌افزارها دو بخش دارد. یک پیاده‌سازی صحیح امکانات مارک و ابزار مناسب، مورد دوم تولید کاربرگه و فهرست‌نویسی به صورت درست و اصولی. در ارتباط با مورد اول و به خصوص در مورد نرم‌افزار رسا می‌توان به جرئت ابراز کرد که امکانات یونی مارک به درستی و تمام

و کمال در این سامانه پیاده‌سازی شده است. مشکلاتی همچون بازیابی اطلاعات و غیره، که کاربران آن را به مارک یا سامانه معطوف می‌کنند عمدتاً مربوط به تولید کاربرگه به صورت نادرست و یا نبود دانش کافی در ورود اطلاعات در کاربرگه‌های مارک است. به نظر من با نگاه کاربردی به مارک توجه نشده و در آموزش‌ها نیز این امر نادیده گرفته شده است.

۶. خیر، زیرا که مارک خیلی دیر در ایران مورد استفاده قرار گرفت و حجم داده‌های غیراستاندارد موجود در نرم‌افزار قبلی کتابخانه ملی (پارس آذرخش) بسیار زیاد است. به علاوه مشکلات مدیریتی و مالی در کتابخانه ملی نیز موانع بزرگی محسوب می‌شوند.

۷. خیر، زیرا که بسیاری از کتابداران در ایران هنوز مارک را نمی‌شناسند و از آن می‌هراسند و کارگاه‌های یک‌روزه برای آشناسازی آنان با مارک کافی نیست. به نظر می‌رسد که مارک ایران نتوانسته نیازهای کتابداران را تأمین و فهرست‌نویسی منابع فارسی را تسهیل نماید.

۸. خیر، زیرا برای استفاده از مارک ایران زیرساخت‌هایی همچون نرم‌افزارهای پشتیبان این فرمت لازم است و به جز یک نرم‌افزار هیچ نرم‌افزار کتابخانه‌ای دیگری در ایران از این فرمت حمایت نمی‌کند.

۹. خیر، زیرا به سایر فرمت‌های مارک ایران از قبیل فرمت‌های مستندات، موجودی و رده‌بندی توجه نشده و کتابداران و فهرست‌نویسان نیز با قابلیت‌های این فرمت آشنایی ندارند.

۱۰. خیر، زیرا عملاً چنین قالبی وجود ندارد. مارک‌های محلی مبتنی بر یونی مارک عبارت‌اند از: یونی مارک به اضافۀ فیلدهای فرعی $9 و بلوک --9، که در مارک ایران، نخست، این فیلدها به درستی و متناسب با ویژگی‌های بومی انتشارات ایرانی ـ اسلامی انتخاب نشده‌اند؛ دوم، تعداد آن‌ها محدود است؛ و سوم، هم‌اکنون توسط متخصصان سازماندهی اطلاعات کتابخانه ملی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. بنابراین در واقع ما هم‌اکنون از قالب یونی مارک برای تولید پیشینه‌های کتابشناختی فارسی در کتابخانه ملی استفاده می‌کنیم.

۱۱. خیر، به دلیل این‌که در کتابخانۀ ملی که متولی مارک ایران است هنوز درک درستی از مارک ایران وجود ندارد. شرکت‌هایی هم که ادعا دارند مارک ایران را در نرم‌افزار خود به کار می‌برند تنها فیلدها و فیلدهای فرعی یونی‌مارک را ترجمه کرده‌اند. این ترجمه هم چندان روزآمد نیست و دارای اشکالاتی است.

۱۲. خیر، زیرا هنوز تا استانداردهای جهانی فاصله داریم. نبود دقت در فهرست‌نویسی، یکی از عمده مشکلات مطرح در این زمینه است. بررسی‌ها نشان داده است که در برخی زمینه‌ها مانند عنوان‌های

قراردادی تا ۶۰ درصد فیلدها دارای ایراد می‌باشند.

پس از پرسش اول، در دو پرسش دیگر نظر پاسخگویان در رابطه با مشکلات کنونی مارک ایران و قابلیت رفع آن سؤال شد و بیشترین مواردی که صاحب‌نظران به آن اشاره کرده بودند، تشکیل کمیته‌ای منسجم و متشکل از افراد با تجربه در حوزه مارک و آموزش جدی مارک در ایران بود. ولی نظرات دیگری نیز مطرح شدند که در زیر در هر مورد ابتدا به مشکلات و سپس به راهکار پیشنهادشده برای رفع مشکل از سوی پاسخگو، اشاره می‌شود:

۱. توجه بیش از حد به استانداردهای نوین موجب نادیده گرفتن مارک شده است. پس مهم‌ترین مشکل مارک در وهله اول بی‌توجهی بزرگان و اساتید به آن است. در نقطه بعدی متخصصین مارک در ایران بسیار کم هستند. باید متخصصین با دید کاربردی با مارک درگیر شوند و ایرادهای آن را در عمل استخراج کنند.

- بله. اما مهم‌ترین مورد این است که سازمانی مانند کتابخانه ملی، انجمن کتابداری یا ... مسئولیت این امر را بر عهده بگیرد.

۲. مارک ایران نیاز به این دارد که از امکانات یونی مارک بیشتر استفاده کند. به علاوه دستنامه‌های متنوعی در حوزه‌های مختلف مارک باید هر چه زودتر تهیه شوند.

- با دقت نظر کارشناسان و متخصصان، تشکیل کمیته‌ای از آنان و برگزاری جلسات و نشست‌های تخصصی به صورت منظم، می‌توان بسیاری از مشکلات را حل نمود.

۳. از بعضی از اطلاعات بلوک --1 که مربوط به اطلاعات کد شده است به خصوص از شماره 105 به بعد استفاده‌ای مناسب به عمل نیامده است.

- به راحتی قابل‌رفع است.

۴. مشکلات متنوعی همچون نبودآموزش صحیح به فهرست‌نویسان و فراگیر نبودن فهرست‌نویسی مبتنی بر استاندارد در کتابخانه‌ها؛ تفاوت قائل نشدن میان فهرست‌نویسی سنتی (فهرست برگه‌ای) با فهرست‌نویسی نوین مبتنی بر استاندارد در کتابخانه‌ها؛ استفاده نکردن از تمامی امکانات موجود در مارک ایران مانند استفاده نکردن از امکانات بلوک --4 مارک ایران (شاید بتوان گفت که تنها از ۱۰ درصد این پتانسیل استفاده شده است)؛ استفاده نکردن از فیلدهای بلوک--1 مارک ایران به منظور تعیین اطلاعات تخصصی منبع و فراهم نمودن امکان جستجوی دقیق و محدود برای کاربران عمومی و تخصصی و همچنین امکان تبادل اطلاعات مناسب بین کتابخانه‌ها بر اساس پروتکل‌ها و استانداردهای مختلف؛ استفاده

نکردن از بانک رده‌بندی و برقراری ارتباط بین آن و بانک کتابشناختی به منظور یکدست‌سازی رده‌های انتخابی و تسهیل بازیابی اطلاعات؛ استفاده نکردن بهینه از فیلدهای مرتبط با بانک مستندات که می‌توان از آن برای انتخاب موضوعات مستند شده و ایجاد موضوعات جدید در بانک مستندات و فراخوانی آن‌ها در بانک کتابشناسی استفاده کرد؛ و استفاده نکردن از فیلد 608 شناسه شکل، نوع و مشخصات فیزیکی.

- همگی قابل‌رفع هستند.

۵. توجه صرف به فرمت کتابشناختی، استفاده نکردن از بلوک --4 یونی مارک در نسخه رسا که مبتنی بر مارک ایران است و بلوک --6 که از مهم‌ترین بلوک‌های بازیابی اطلاعات است.

- بله، برخی از آن‌ها به شرکت‌های نرم‌افزاری مربوط می‌شود و برخی مانند بلوک --6 که به انواع موضوعات می‌پردازد به بازنگری در فهرست‌نویسی و تفکیک آن‌ها نیازمند است.

۶. مسطح بودن و حمایت نکردن از مواد آرشیوی

- حداقل در حوزه آرشیو به سختی امکان‌پذیر است.

۷. همه مشکلاتی که مارک به صورت بالقوه دارد.

- خیر

۸. روند کند بومی‌سازی مارک در ایران

- قابل‌رفع است.

۹. بزرگ‌ترین مشکل مارک ایران این است که عملاً استفاده نمی‌شود. چون مسئولین برای استفاده از مارک ایران ارزشی قائل نمی‌شوند و دوره‌های آموزشی هم برای آن به اندازهٔ کافی وجود ندارد. در کل، مارک ایران هنوز در کتابخانه‌های ایران جا نیفتاده است.

- به سادگی. کافی است کتابخانهٔ ملی از خود شروع کند. این کتابخانه باید کمیته‌ای مرکب از کتابداران آشنا با مارک و متخصصان کامپیوتر تشکیل دهد و ابتدا برای خود، پدیدهٔ مارک را حل نماید. در صورتی که کتابخانهٔ ملی ایران نیاز به مارک را عملاً به کتابداران نشان دهد مارک به زودی جای خود را در میان کتابداران ایرانی باز خواهد کرد.

۱۰. ساختار مارک یک ساختار مسطح است و منطقاً نمی‌تواند همپای تحولات فنی کنونی حرکت کند. فناوری مارک مربوط به دهه ۱۹۶۰ است و این امر نه تنها در مورد مارک ایران که در مورد مارک‌های دیگر نیز صادق است. از طرفی با توجه به اینکه مارک ایران تدوین‌شده در سال ۱۳۸۱، تنها به کتاب‌ها پرداخته، سایر منابع را از قلم انداخته است و تلاشی در جهت کامل‌تر شدن آن انجام نشد لذا

نمی‌توان در یک نرم‌افزار به صورت کامل و تنها از آن ویرایش استفاده کرد. ولی مارک رسا که آن هم با عنوان مارک ایران شناخته می‌شود نسبت به مورد قبل یک برتری دارد که آن نیز هم‌خوانی نسبتاً بالا (تقریباً ۹۰ درصد) با یونی مارک است. این نکته منجر به تعامل‌پذیری و نزدیکی بیشتر این مارک با مارک‌های جهانی می‌شود و می‌تواند تأثیری مثبت در کاهش هزینه‌ها و سرمایه‌های انسانی و زمانی برای ایجاد میان‌کنش‌پذیری نظام‌ها داشته باشد.

- بله. صد درصد هر مشکلی قابل برطرف شدن است.

همچنین در پرسشنامه از پاسخگویان پرسش شد که آیا با وجود مشکلات نام برده شده، مارک ایران که بر مبنای یونی مارک است، می‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه ایرانی و فهرست‌نویسی فارسی باشد. به غیر از یک نفر که فقط با یک عبارت "بله" نظر خود را بیان کرده بود، بقیه پاسخ‌ها عبارت‌اند از:

۱. در اغلب موارد مناسب بوده است.

۲. اگر منظور "کتاب مارک ایران" باشد، باید گفت خیر. زیرا این کتاب تنها به بررسی عناصر اطلاعاتی در کتاب و بخشی از مدارک کتابی پرداخته و به معرفی کاربرد هر یک از فیلدهای اطلاعاتی بسنده کرده است. اما در رابطه با مارک ایران موجود در نرم‌افزار رسا باید بگویم که کاملاً بر اساس یونی مارک پیاده‌سازی شده است و شاید بتوان گفت که با توجه به اینکه به صورت عملی پیاده‌سازی شده، اشکالاتی که در یونی مارک نیز وجود داشته است (به عنوان مثال ارتباط بین بانک کتابشناسی و موجودی)، در مارک ایران رفع شده است.

۳. به هر حال، مارک ایران، بومی‌شده یونی مارک است و توانسته تا حد زیادی نیاز فهرست‌نویسان ایرانی را تأمین کند. لیکن به این معنا نیست که نقاط ضعف موجود در آن را باید فراموش کرد.

۴. بله. زیرا این مارک در آن زمان با توجه به نیاز روز کتابداری و با حضور کتابداران و اساتید و بزرگان این امر تدوین شد و اگر نقصی هم در کار وجود دارد قابل‌حل است.

۵. بله. با توجه به اینکه یونی مارک مسائل زبان‌های مختلف را در نظر گرفته و کوکبی نیز در پایان‌نامه دکترای خود به آن پرداخته، یونی مارک مبنای مناسبی برای مارک ایران است.

۶. این سؤال باید زمانی پرسیده می‌شد که کمیته مارک ایران در حال بررسی جهت انتخاب فرمت مناسب بین یونی مارک و مارک ۲۱[۱] بود.

۷. یونی مارک، قابلیت‌ها و اقدامات نسبتاً به‌روز مارک ۲۱ را ندارد و در سازگاری با محیط جدید

---

۱. کمیته مارک ایران، بین یونی مارک و مارک آمریکا اقدام به انتخاب کرد، نه یونی مارک و مارک ۲۱.

کاملاً از مارک ۲۱ پیروی می‌کند. به طور کلی یونی مارک چندان برای دنیای امروز مناسب نیست.

۸. در شرایط کنونی، مارک ایرانِ تهیه‌شده بر مبنای یونی مارک، به راحتی می‌تواند پاسخگوی جامعه ایرانی و فهرست‌نویسی ایرانی باشد. منابع دیجیتالی هنوز آن‌گونه که باید در ایران جای خود را باز نکرده‌اند و به نظر می‌رسد که کتاب و منابع چاپی هنوز بیشترین استفاده را دارند. اما در صورتی که قرار باشد تغییری در وضعیت کنونی مارک ایران پدید آید، باید به آینده و حضور پررنگ‌تر منابع دیجیتالی در کتابخانه‌های ایران توجه کرد.

۹. مارک مورد استفاده در نرم‌افزار رسا در حدود ۹۰ درصد مبتنی بر یونی مارک بوده و برای فهرست‌نویسی منابع فارسی مناسب است اما مارک ایران منتشرشده در قالب دستنامه، نقص‌هایی دارد که متأسفانه بعد از اولین تدوین برطرف نشده است و همین دلیل هم موجب روی‌آوری متخصصان به یونی مارک و استفاده از آن در نرم‌افزار رسا گردید.

پیشنهادهایی که برای فرمت نهایی مارک ایران داده شد، شامل مواردی است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. بازنگری در اعضای کمیته مارک ایران.

۲. مطالعه بیشتر بر روی مارک ایران و بومی‌سازی آن.

۳. روزآمد شدن بر اساس نیازهای فعلی کتابخانه‌ها و کتابداران.

۴. تعامل بیشتر با متخصصان مارک در خارج از کشور و تعامل متخصصان مارک ایران با یکدیگر.

۵. هیچ کتابخانه‌ای در ایران استاندارد نیست (در این تاریخ) و کتابخانه ملی هم که تلاش می‌کند با استفاده از مارک ایران استاندارد باشد، مشکلات زیادی برای کامل شدن دارد. بنابراین بهتر است مارک فراموش و به فراداده‌های جدید پرداخته شود.

۶. در حال حاضر کتابخانه ملی ایران، برای ورود اطلاعات انواع منابع اطلاعاتی کاربرگه‌های مبتنی بر استاندارد تدوین نموده است که چنانچه برای هر یک از آن‌ها دستورالعملی تهیه گردد، می‌تواند در سایر کتابخانه‌ها نیز مورد استفاده قرار گیرد.

۷. زمانی که کتابخانه‌ای از نرم‌افزار مبتنی بر استاندارد استفاده می‌نماید، به منظور ارتباط با سایر کتابخانه‌ها از طریق پروتکل‌های گوناگون نیاز است که برخی فیلدهای اطلاعاتی را پر کند که از لحاظ استاندارد اجباری نمی‌باشند ولی جهت انتقال و تبدیل به فرمت‌های دیگر مانند مارک ۲۱، دابلین کور و مودس مورد نیاز هستند. به همین منظور لازم است که نظام‌نامه استانداردی برای کتابخانه‌ها تهیه گردد.

۸. توسعه اجتناب‌ناپذیر نسخه فعلی مارک ایران که بر مبنای یونی مارک طراحی شده است.

۹. کار بر روی مستندهای یونی مارک.

۱۰. تشکیل کمیته تخصصی برای توسعه مارک ایران به صورتی که جلسات آن در کتابخانه ملی ایران تشکیل شود و در حوزه‌های مختلف از صاحب‌نظران این حوزه دعوت به عمل آید.

۱۱. بررسی تخصصی بیشتر در زمینه منابع غیرکتابی فارسی.

۱۲. تهیه دستنامه‌ها و شیوه‌نامه‌هایی درباره مارک برای استفاده در کتابخانه‌ها و آرشیوها.

۱۳. طراحی وب‌سایت یا وبلاگی که آخرین دستاوردها، تصمیم‌گیری‌ها و دستورالعمل‌های کمیته مارک ایران در آن منعکس شود.

۱۴. از بلوک --4 در مارک ایران استفاده شود.

۱۵. تدوین سایر فرمت‌های مارک ایران از قبیل مستندات، موجودی و رده‌بندی.

۱۶. تهیه مبدل‌های فرمت مارک ایران به سایر فرمت‌های ابرداده‌ای مانند دابلین کور، مودس و غیره.

۱۷. تغییر قالب مارک ایران بر اساس مارک ۲۱، یا انتخاب مارک ۲۱ به عنوان قالب ملی.

۱۸. در حالت نخست، هر زمان که نیاز واقعی به مارک احساس شد، باید هر چه زودتر مارک ایران را در حالت کنونی مورد استفاده قرار داد و آن را پاسخی به نیاز به وجود آمده تلقی کرد. اما اگر به هر دلیلی تصمیم بر این شد که مارک ایران تغییری بنیادی یابد می‌توان آمیزه‌ای از مارک ایران و مارک ۲۱ را (آن هم در صورتی که مارک ایران مبتنی بر یونی‌مارک نتواند پاسخگوی نیازهای نوین کتابخانه‌های ایران باشد) طراحی و استفاده کرد. طبیعتاً در حالت دوم، نظام‌های نوین سازماندهی اطلاعات مانند آر.دی.ای. و اف.آر.بی.آر. را نیز باید در نظر گرفت.

۱۹. فرمت مارک بسته به نیاز متخصصان فهرست‌نویس قابل‌گسترش است اما مهم‌ترین مسئله در رابطه با آن، توجه به از دست نرفتن قابلیت میان‌کنش‌پذیری آن با سایر استانداردهای ابرداده‌ای است. البته در ایران مشکل بیشتر از آنکه متوجه خود استاندارد مارک باشد، متوجه نحوه فهرست‌نویسی منابع است زیرا در بسیاری از موارد خطاهای فهرست‌نویسی از قبیل جابه‌جانویسی، خطای املایی و سهل‌انگاری در تکمیل اطلاعات از جمله مشکلات پیشینه‌های تهیه‌شده به زبان فارسی هستند که باید رفع شوند.

جمع‌بندی نظرات پاسخگویان

از نگاه صاحب‌نظران، انگیزه‌های شخصی و اقتصادی، از جمله مهم‌ترین دلایل انجام و شکست

طرح مارک ۲۱ در ایران (ایران مارک) محسوب می‌شوند. دلایل دیگری که برای ناتمام ماندن این طرح مطرح شدند عبارت‌اند از: قدرت رقابتی محدود پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات با کتابخانه ملی در قبال مسائل فهرست‌نویسی کشور، اجرای بی‌هدف طرح، نداشتن شناخت کافی دست‌اندرکاران طرح از قابلیت‌های مارک ۲۱ و قواعد فهرست‌نویسی، تمرکز بر روی فرمت کتابشناختی برای تولید نرم‌افزار، نبود پشتیبانی مناسب، وجود دو دیدگاه متفاوت برای مبنای مارک ایران، تغییر مدیران رده بالای پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات و نبود حمایت مالی مدیران جدید از طرح مذکور.

در رابطه با قابلیت استفاده از مارک ۲۱ در ایران، نظرات صاحب‌نظران به دو گروه عمده زیر تقسیم می‌شود:

۱. این پرسش باید سال‌های پیش در زمان تصمیم‌گیری برای مبنای مارک ایران مطرح می‌شد زیرا اکنون دیگر برای مارک سرمایه‌گذاری جدیدی در ایران صورت نخواهد گرفت.

۲. با تغییراتی متناسب با ویژگی‌های منابع فارسی همچون خط و زبان آن‌ها، می‌توان از آن استفاده نمود.

مسئله‌ای که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد مربوط به دیدگاه اول صاحب‌نظران است. سال‌ها پیش تصمیمی که برای انتخاب مناسب‌ترین مارک برای مبنای مارک ایران باید گرفته می‌شد بر پایه دو گزینه یونی‌مارک و مارک آمریکا بود. در آن زمان مارک ۲۱ ایجاد نشده بود و مارک آمریکا جزئی از مارک ۲۱ بود و مارک ۲۱ نسبت به مارک آمریکا تغییرات زیادی داشته است. به عنوان مثال مارک آمریکا، یک فرمت غیرمنسجم و برای نیازهای آمریکا طراحی شده بود درحالی‌که مارک ۲۱، یک فرمت منسجم است و در تمام کشورهای دنیا قابلیت استفاده از آن وجود دارد. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، پیش‌بینی صاحب‌نظران در مورد محقق نشدن سرمایه‌گذاری جدید برای مارک در ایران است که این پیش‌بینی هیچ شاهد و مدرکی ندارد.

نظرات پاسخگویان در مورد استفاده مناسب از مارک ایران در فهرست‌نویسی منابع فارسی را می‌توان در سه گروه کلی قرار داد که به ترتیب بر اساس بیشترین نظرات ذکر می‌گردند:

۱. ۷ نفر برای پاسخ خیر خود موانع و دلایلی همچون مدیریت کتابخانه ملی، نبود درک درست از مارک در کتابخانه ملی و شرکت‌های تولیدکننده نرم‌افزار، نبود قالبی به نام مارک ایران (زیرا ترجمه صرف یونی مارک است)، ظهور دیرهنگام مارک در ایران، ناآشنایی کتابداران با مارک، تولید نشدن نرم‌افزارهای استاندارد و مبتنی بر مارک (به غیر از رسا) و توجه نداشتن به سایر فرمت‌های یونی مارک

همچون مستندات و رده‌بندی، و نبود دقت در امر فهرست‌نویسی و تطابق با استانداردهای جهانی، را ذکر کردند.

۲. ۲ نفر از پاسخگویان تا حدودی میزان استفاده را مناسب ارزیابی کردند و این کاستی در استفاده مناسب را ناشی از نبود آموزش صحیح مارک به کتابداران دانستند. یک نفر نیز فقط در حوزه فهرست-نویسی منابع غیرکتابی، فیلدها را مناسب ارزیابی کرد.

۳. ۲ نفر از صاحب‌نظران نیز معتقد بودند که مارک ایران در فهرست‌نویسی منابع فارسی به خوبی مورد استفاده قرار گرفته است.

مشکلات کنونی مارک ایران، پرسش دیگری بود که از صاحب‌نظران در مورد آن سؤال شد و پاسخ‌ها نشان‌دهنده آن هستند که برخی مشکلات بیشتر از سوی پاسخگویان مورد تأکید قرار گرفته‌اند، مانند بی‌توجهی به آموزش مارک در ایران و استفاده نامناسب از قابلیت‌های یونی مارک. البته قابلیت‌های یونی‌مارک که بیشتر مورد توجه پاسخگویان بودند، شامل مواردی همچون فیلدهای بلوک‌های --4، --1 و --6، استفاده نکردن از فرمت‌های رده‌بندی و مستندات و توجه صرف به فرمت کتابشناختی می‌باشند.

از جمله دیگر مشکلات مارک ایران عبارت‌اند از: توجه بیش از حد به استانداردهای روز دنیا به عنوان جایگزین‌هایی برای مارک، محدودیت تعداد متخصصان مارک در ایران، نبود دستنامه‌های مختلف، تفاوت قائل نشدن میان فهرست‌نویسی فهرست‌برگه‌ای و ماشین‌خوان، مسطح بودن، نبود حمایت از مواد آرشیوی، روند کند بومی‌سازی، نبود استفاده عملی از مارک، تدوین دستنامه مارک ایران فقط برای تک نگاشت‌ها و ارزش قائل نبودن برای مارک. راه‌حل‌هایی نیز برای رفع این مشکلات پیشنهاد شد که عمده-ترین آن‌ها، تشکیل کمیته‌ای از متخصصان مارک با برگزاری جلسات مشخص بود. راهکار پیشنهادی دیگر، توجه شرکت‌های نرم‌افزاری به استفاده از بلوک‌ها و امکانات یونی مارک می‌باشد.

پاسخ‌های صاحب‌نظران به پرسش دیگری از پرسشنامه مشخص ساخت که غیر از یک نفر که قالب یونی مارک را برای دنیای امروز مناسب نمی‌دانست، اکثر آنان معتقدند که مارک ایران که بر مبنای یونی مارک تهیه شده است می‌تواند پاسخگوی جامعه ایرانی و فهرست‌نویسی فارسی باشد. ۳ نفر برای پاسخ مثبت خود، دلایلی همچون توجه به نیازهای روز کتابداری، انتخاب یونی مارک توسط اساتید برجسته کتابداری، پیشنهاد پایان‌نامه کوکبی برای انتخاب یونی مارک برای مبنای مارک ایران، توجه فعلی ایرانیان به منابع چاپی، و در نظر گرفته شدن مسائل زبان‌های مختلف در یونی مارک، را مطرح کرده‌اند. سه نفر نیز در اغلب موارد آن را مناسب دانسته و متذکر شده‌اند که با این وجود نباید نقاط ضعف آن را

نادیده گرفت و با استفاده بیشتر از منابع دیجیتالی در ایران، باید به آینده نیز توجه داشت. یک نفر نیز دلیلی برای مطرح کردن این پرسش در زمان حال نمی‌داند زیرا که در ایران فعلاً فقط مارک ایران مورد استفاده است.

در نهایت از هر دو گروه از متخصصان مارک ۲۱ و یونی مارک خواسته شد تا پیشنهادهای خود را در مورد فرمت نهایی مارک ایران ارائه دهند. روزآمد شدن؛ توجه بیشتر به مارک کنونی؛ بازنگری در اعضای کمیته کنونی مارک ایران؛ بومی‌سازی؛ تعامل با متخصصان مارک در خارج و داخل کشور؛ توجه به فراداده‌های جدید و الگوهای مفهومی؛ تهیه نظام‌نامه‌های استاندارد؛ طراحی وب‌سایت از سوی کمیته جدید مارک ایران؛ ایجاد فرمت‌های مستندات، موجودی و رده‌بندی یونی مارک؛ تهیه دستنامه‌های مختلف؛ بررسی تخصصی در زمینه منابع غیرکتابی فارسی؛ استفاده از مارک ۲۱ به عنوان قالب مارک ایران؛ استفاده از بلوک --4؛ توجه بیشتر کتابداران ایرانی به استاندارد بودن فهرست‌نویسی؛ ترکیب مارک ایران و مارک ۲۱ در آینده در صورت احساس به ناکارآمدی یونی مارک و تهیه مبدل‌های فرمت مارک ایران به سایر فرمت‌های ابرداده‌ای مانند دابلین‌کور و مودس، از جمله پیشنهادهایی بودند که در این رابطه ارائه شدند.

مارک ۲۱ از دیدگاه برخی صاحب‌نظران نسبت به یونی مارک برای فهرست‌نویسی منابع فارسی، دارای قابلیت‌های بیشتری است ولی در ایران در حال حاضر از یونی مارک به عنوان مبنای مارک ایران استفاده می‌شود و بیش از یک دهه برای آن هزینه صرف شده است. هرچند که وضعیت کنونی مارک و آموزش و استفاده از آن در ایران از دیدگاه صاحب‌نظران مطلوب به نظر نمی‌رسد ولی با توجه به دلایل ناتمام ماندن طرح ایران مارک و مشکلات کنونی مارک ایران باید تلاش کرد تا برای هر قالبی که در ایران در حال حاضر و یا در آینده به کار برده می‌شود، مواردی همچون مدیریت و برنامه‌ریزی منسجم و کامل، آگاهی و اشراف به کلیه قابلیت‌ها و نکات فنی قالب مطرح‌شده، مسائل مالی و کسب پشتیبانی از سازمان (های) بزرگ و توانمند را در نظر داشت تا با تغییر سیاست‌ها و مدیریت‌ها، طرح به دلیل اتمام بودجه یا نقص در برنامه و توجیه‌ناپذیر بودن آن، ناتمام باقی نماند.

در نهایت ازآنجایی‌که بیشتر پاسخگویان معتقد بودند که مارک ایران، که بر مبنای یونی مارک تهیه شده است می‌تواند پاسخگوی جامعه ایرانی و فهرست‌نویسی فارسی باشد، باید برای رفع مشکلات فعلی آن، آموزش مارک را جدی‌تر در سازمان‌ها، کتابخانه‌ها و به خصوص دانشگاه‌ها دنبال کرد و با تشکیل کمیته‌ای از متخصصان کتابداری و غیر کتابداری که دارای هدف و برنامه‌ای مشخص است،

اطلاع‌رسانی در خصوص مارک را گسترده‌تر و نیروهای متخصص در این امر را به طور هدفمند هدایت و راهنمایی کرد تا با پیشنهادهای این کمیته به ارتقا کیفیت زیرساخت‌های مارک در کشور و تحقق شبکه کتابشناختی کمک نمود.

References

Akbari dariyan, Saideh & Yaghub Purnargesi, Tahereh (2008). Comment on “ Where Does IranMARC Go? Checking IranMARC in Three Steps”. Faslnameh ketab 19(75), 321-329. . (In Persian)

British Library. *The UKMARC Manual Moving to MARC21*. Retrieved 16 July 2011, from http://www.bl.uk/ukmarc/marc21/move.html.

Cato, Anders (2007). Migration to MARC21: Swedish Experiences. Paper presented at the International Workshop: MARC 21-Experiences, Challenges, and Visions. 14-15 May. Frankfurt. Retrieved 15 February 2012, from www.d-b.de/standardisierung/pdf/sally_mccallum_futures.pdf.

Das, Dhrubajit (2004). MARC 21: The Standard Exchange Format for the 21st Century. In 2nd Convention PLANNER. 4-5 November. Manipur Uni., Imphal. (pp. 154-163). Retrieved 15 February 2012, from inflibnet.ac.in/dxml/bitstream/handle/1944/434/04Planner_20.pdf.

Ghasempur, sakine (2010). Iranian National Library Librarians and Staff's View of the Capabilities of the Integrated National Library System (RASA). M.A. dissertation, Shahid Beheshti University, Tehran, . (In Persian)

Iranian Information and Documentation Center (2005). MARC, National Standard in Digital Space, Retrieved 25 June 2010, from http://www.irandoc.ac.ir/news/view.aspx?id=c7ca4f. . (In Persian)

Iranian Information and Documentation Center (2007). Hold a Conference about MARC21 and its application in information exchange. Retrieved 25 April 2010, from /Irandoc/news.aspx?id365. . (In Persian)

IranMARC’s National Committee (2002). IranMARC. Tehran: National Library of I.R of Iran. (In Persian)

Khademizadeh, Shahnaz (2009). A Comparative Study of IranMARC Format for Available Serial Format in RASA Software into UNIMARC Format for Serials. MA dissertation. Islamic Azad University. Hamedan. (In Persian)

Kokabi, Mortaza (1994). *Development of a Machine-Readable Cataloging (MARC) Format for Iran.* Ph.D. Thesis,The University of New South Wales, Australia. (In Persian)

Kokabi, Mortaza (2009). How Is It Possible Do Not Use the Facilities of a Computer Program for the Design of its Interface? Ketabdari & Etelaa Rasani, 12(2). 45-56. . (In Persian)

National Library and Archives of I.R of Iran. Introduction the Integrated National Library System (RASA). Retrieved 4 July 2010, from ult.aspx?tabid=94. (In Persian)

Secretariat Supreme Council of Information (2003). Review of Supreme Council of Information. [Tehran]: Secretariat Supreme Council of Information. (In Persian)

Taheri, Mehdi (2008). Efficiency Comparision of Dublin Core & MARC21 in Organization of Information Resources in the World Wide Web, Ketabdari & Etelaa Rasani, 11(3), 139-158.